

عنوان مقاله:

ملاحظات بر نظریه طبیعت گرایانه دیوید آرمسترانگ درباره کلیات

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های هستی شناختی، دوره 6، شماره 11 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

محمدصادق زاهدی - دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)،

عارف آیینی - دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

خلاصه مقاله:

بر اساس دسته بندی مشهور متافیزیکی، موجودات به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می شوند. موجودات جزئی اشیاء متباینی هستند که منحصر به فرد و تکرار ناپذیرند. هر یک از ما انسانها یک موجود جزئی محسوب می شویم. با این حال میان موجود های جزئی شباهت هایی وجود دارد که بر اساس این شباهت ها آنها را دسته بندی می کنیم. هر شیء جزئی دارای صفاتی مشترک و نسبت هایی تکرار پذیر با دیگر اشیاء است. این صفات و نسبت های مشترک مساله ای را پدید آورده که به مساله کلی ها معروف شده است. پرسش اصلی در باب کلی این است که آیا هویتی واقعی است یا این که چیزی جز ساخته و پرداخته ذهن و زبان ما نیست. واقع گرایی، نام گرایی و مفهوم گرایی سه نظریه مشهور درباره کلی است. دیوید. م. آرمسترانگ از فیلسوفان طبیعت گرای معاصر پس از نقد نظریه های مختلف درباره کلی بر اساس طبیعت گرایی متافیزیکی خود نظریه ای ارایه کرده که آن را واقع گرایی علمی نامیده است. او با معرفی اوضاع امور در هستی شناسی خود کلیت و جزئیت را دو وجه از یک وضعیت امور می داند. این مقاله به بررسی و نقد نظریه آرمسترانگ درباره کلی می پردازد.

کلمات کلیدی:

کلی، جزئی، طبیعت گرایی، دیوید آرمسترانگ، ریالیسم علمی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/796437>

